

عصر

شماره پنجم
مکاندار: غلامرضا...
مؤلف: ...

نیمه اول بهمن ماه ۱۳۸۰ / سال دوم

شماره ۵ / قیمت ۵۰۰ ریال

● امام چگونه امام شد؟

● مدرسه کرمانتپها و انقلاب.

● مقام معظم رهبری و مدرسه کرمانتپها.

● تلنگرهای معتوی ۲۱



تلنگرهای معنوی / ۲

استاد مظفری

از اموری که تأثیر شگرفی در پیشرفت انسان چه در امور درسی و چه در مسایل معنوی دارد مسأله «تفکر» است. در زمینه اول باید گفت: با وجود تأکید فراوانی که در روایات بر مسأله «تفکر» شده، متأسفانه توجه چندانی به آن نمی شود.

طلاب علوم دینی گر چه از قدیم به «دقت نظر» شهره بوده اند و امروزه نیز تا حدی این ویژگی محفوظ مانده است ولی غالب طلاب، اهتمام لازم به این مسأله ندارند و به فراگیری درس در محضر استاد و سپس مطالعه و مباحثه آن اکتفا می کنند و وقتی را صرف تأمل در مطالب فراگرفته شده نمی کنند. در حالیکه در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام فکر کردن و خوب فهمیدن از تکرار نمودن و حتی درس گرفتن پر شمتر و مفیدتر شمرده است^(۱) اما تأکید این نوشتار بر تفکر در مسایل معنوی است. تفکر در خلقت آسمانها و زمین انسان را به خدای بزرگ نزدیکتر می کند. تفکر در وجود خود چون آینه ای صاف و صیقلی نقاط ضعف و قوت انسان را پیش روی او قرار می دهد، تفکر در حوادث گذشته تاریخ به انسان اعتبار و بصیرت می بخشد، تفکر در آیات نورانی، انسان را در آسمان معنویت به پرواز در می آورد. تفکر در روایات معصومین علیهم السلام زلال حکمت را به گوش، هوش و آب حیات را به قلب می رساند، تفکر در ماهیت گذرا و ناپایدار دنیا علاقه به دنیا را از دل انسان برمی کند تفکر در نعمتهای بهشتی انسان را به کار خیر ترغیب می کند. تفکر در عذابهای جهنم انسان را از ارتکاب اعمال زشت باز می دارد و چه بسیار شمراستی که بر تفکر مترتب است. امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «لیست العبادة کثرة الصیام و الصلاة و انما العبادة کثرة التفکر فی امر الله؛ عبادت به بسیاری نماز و روزه نیست عبادت همانا بسیاری تفکر در امر خداست»

درباره ابوذر این صحابی جلیل القدر رسول الله صلی الله علیه و آله از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند «کان اکثر عبادة ابي ذر التفکر و الاعتبار؛ بیشترین عبادت ابي ذر عبادت و عبرت گرفتن بود.»

چشمه ساران

علی فرخی

امام علی علیه السلام: غرة الشجاعة الغيرة^(۲)

«امام در جوانی هم شدید الغیره بود.»

مرحوم آیه الله سید مصطفی خوانساری، اواخر به حضرت امام زیاد اظهار ارادت می کرد و می گفت: نه خیال کنید امام حالا چنین شده در جوانی هم شدید الغیره بود و یک داستان به نحو اختصار نقل می کرد:

زمانی که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم در اراک بود، با ایشان (حضرت امام) به اراک می رفتیم، میان اتوبوس افسری با یک زن سرلختی بود و آن افسر با او زیاد ور می رفت تا رسیدیم به قهوه خانه، ماشین نگه داشت، هنگام پیاده شدن حاج آقا روح الله کمر بند افسر را گرفت و کشان کشان می برد و می گفت: تو افسر خائنی هستی باید به پاسگاه تحویلت دهم که این نشانه افسری را از تو بگیرند او عقلش نمی رسد، تو چرا خیانت می کنی؟ (در حالی که حاج آقا روح الله ۱۸ سال بیشتر نداشت).^(۳)

جرعه ای از احکام

محمد حسن دهقان

س: شرکت کردن در مجالس جشن و عروسی که در آن برنامه های موسیقی اجرا می شود چگونه است؟
- مقام معظم رهبری: شرکت در اینگونه مجالس در صورتی که تأیید و یا تشویق گناهکار باشد حرام است.
- آیه الله صافی: جائز نیست.
- آیه الله مکارم شیرازی: شرکت در مجالس گناه جائز نیست.

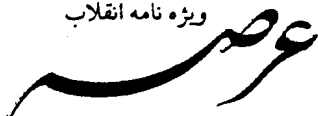
س: حکم شرعی تراشیدن ریش چیست؟
- مقام معظم رهبری: تراشیدن ریش علی الاحوط حرام است.
- حضرت آیه الله بهجت: تراشیدن ریش جائز نیست چه تمام ریش یا قسمتی از آن.
- آیه الله صافی: تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است.

۱. فضل فکر و تفهم انجع من فضل تکرار و دراسة (غیرالحکم: ۲۲۷)

(الحیاء: ۵۲/۱)

۲. میزان الحکمة / شجاعت.

۳. نقل داستان آیه الله شیخ علی پناه اشتهاردی.



از ارکان مهم مدارس است

کرمانی و کشمیری به زندان افتادند و تبعید شدند و آقایان خنخانی، ری شهری، فاضل هرنندی و عباسی خراسانی (از اساتید مدرسه) بازداشت می شدند.

در مدرسه اساتید، بارها نواهای انقلابی را بخش می کردند و اعلامیه های زیادی توزیع شد.

یادم هست که اعلامیه شهادت حاج آقا مصطفی خمینی (ره) را آقای عباسی خراسانی مخفیانه به من داد تا بین طلاب توزیع شود. خود بنده هم بارها

اشاره نباید پیشتر از این با ایشان مصاحبه می کردیم. پیرمرد با صفایی که با داشتن ۷۴ سال سن هنوز هم فعال و پر تحرک است و حدود ۳۰ سال است که یکی از قدیمی ترین مدارس حوزه را اداره می کند. مدرسه ای که بخاطر عملکرد موفق او و عوامل دیگر، دهها شهید و جانباز و خدمتگزار تقدیم اسلام و انقلاب کرده است.

عرصه: با نام و یاد خداوند متعال

ضمن تشکر از حضرتعالی که در این

مصاحبه شرکت فرمودید در ابتدا اجتمائی از فعالیتهای مدرسه کرمانیها در زمان انقلاب ارائه فرمایید.

● حاج آقای جاویدی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنا درود به ارواح طیبه شیدا بویژه شهدای مدرسه کرمانیها و آرزوی سلامتی مقام معظم رهبری بمناسبت ایامی که در آن قرار داریم از وقایع دیمه سال ۵۶ که موجب خشم و نفرت طلاب و مردم قم گردیده مدرسه ما نیز در قیام خونین ۱۹ دی شرکت فعال داشت. روز ۱۸ دیمه که ما صبح به مدرسه آمدیم از مقاله خیر نداشتیم. آقای سید مصطفی شاکری تیرانی که زمانی امام جمعه بود در آن زمان از اساتید مدرسه بود. در دفتر به من موضوع توهین به امام را اطلاع داد و گفت که قرار است مدارس تعطیل شده و راهپیمایی شود. مدرسه کرمانیها در کنار سایر مدارس قم مانند حقانی، رسالت و... به راهپیمایی پیوست. به منزل مراجع می رفتیم و عنماً علیه رژیم سخنرانی می کردند. صبح ۱۹ دیمه بازار نیز تعطیل شد و در عصر آنروز راهپیمایی به اوج خود رسید. بعد از ظهر بعد از بازگشت از منزل نایه الله تبری همدانی مأموران رژیم به مردم و طلاب حمله ور شدند و تعداد زیادی از مردم و طلاب به شهادت رسیدند. از مدرسه ما هم چند نفر زخمی شدند. بعدها جهنم شیدای قم در تبریز برگزار شد و در آنجا نیز فاجعه رخ داد و جهنم این شیدا نیز قیامی صورت گرفت و این جهنمها به سال ۵۷ رسید که با راهپیمایی های گسترده محرم و صفر آن سال، شاه یا جهنم گریبان فراری شد. در پیروزی انقلاب طلاب مدارس، مخصوصاً مدرسه ما نقش مهمی داشتند. اگر چه در آن زمان بسیاری، امیدی به فعالیت طلاب نداشتند.

عرصه: آیا رژیم و عوامل آن با مدرسه کرمانیها برخورد خاصی داشتند؟

● حاج آقای جاویدی: بله، رژیم به شدت فعالیت مدارس را زیر نظر داشت اگر چه در ظاهر اقدام شدیدی علیه مدارس انجام نمی داد اما در بیرون از مدرسه با طلبه ها برخورد می کرد و گاهی نیز در ساعات آذاری به مدرسه آمده و طلاب مبارز را بازداشت می کردند. بسیاری از اساتید ما نیز در آن زمان انقلابی و مبارز بودند و به همین جهت شدیداً تحت تعقیب بودند. مسئولین اصلی مدرسه نیز بارها بازداشت می شدند. آقای فهیم

بسیجی بودن هیچ منافاتی با درس خواندن ندارد و من با نظر آنها که بسیج را مانع درس خواندن می دانند مخالفم.

علیه رژیم و در تمجید از امام صحبت می کردم؛ حتی بگیار، رژیم از من خواست که در سخنرانی نام امام را نبرم، اما من گوش نمی دادم.

عرصه: حاج آقا طلبه ها خیلی مایند از گذشته شما و نحوه ورودتان به حوزه مطلع شوند. اگر صلاح می دانید از خودتان برایتان بگویند.

● حاج آقای جاویدی: البته من خودم به طبعی علاقه داشتم. اما بعد از دبیرستان به دانشکده افسری رفتم. آنجا این شبهه برایم پیش آمد که شاید ماندن در ارتش که با مردم برخوردهای خشن و خلاف شرعی می شود، آیا ماندن درست است یا خیر؟ فلذا از محضر آیه الله العظمی بروجردی استنشا کردم و ایشان هم فرمودند که جایز نیست در ارتش بمانید. به همین خاطر بعد از دو سال، از دانشکده افسری خارج شدم و به قم آمدم (در آن زمان ۲۶ سال داشتم). وقتی به قم آمدم سال ۳۲ بود و مثل امروز نبود که

اساتید مدرسه در زمان رژیم گذشته مبارز و انقلابی بودند و همواره تحت تعقیب مأموران رژیم قرار داشتند.

استادان کلاسیهای مرتب و منظم داشته باشند و باید با شخصیتی قرار ندریس می گذاشتیم فلذا با چند نفر از اساتید از جمله آقای هاشمی رفسنجانی، موحدی کرمانی، و مرحوم ربانی امینتی شروع به خواندن کتب درسی کردم و تا درس خارج آقای بروجردی رسیدم. همین ایام بود که آقای فهیم کرمانی از من خواست که در تاسیس و اداره مدرسه کرمانیها همکاری کنم.



شهید بهشتی در مدرسه
کرمانیا و کنار طلاب
مبارز آن

سر نوشت مقلدان خمینی

چیزی جز شهادت نیست

شهید دکتر بهشتی (ره)



شهید دکتر باهنر (ره) دومین دبیرکل
حزب جمهوری اسلامی و نخست وزیر
مظلوم انقلاب در جمع طلاب مدرسه
علمیه کرمانیا



با آقای هاشمی رفسنجانی در اداره
مدرسه کرمانیا مشورت می کردیم و
ما را راهنمایی می کردند

بخشی از مصاحبه با مدیر محترم مدرسه

آیت الله هاشمی رفسنجانی
در جمع طلاب مدرسه

ادامه صفحه ۳

من هم بخاطر اینکه مشغول درس خارج بودم به این شرط که روزی یک ساعت وقت بگذارم قبول کردم در آزمون سه مدرسه دانشیم. یکی مدرسه کرمانیها، دیگری فدیری و یک مدرسه دخترانه هم در محل خونگاه ۲ دانشیم. از سال ۵۲ دیگر رسماً ناکتوز کازها را بر عهده دارم. بعد از انقلاب هم آقایان چون در مجلس و جاهای دیگر مشغول شدند بنده در اداره مدرسه تنها بودم.

○ عرصه: نظر تان در مورد فعالیتهای بسیج و به ویژه نشریه عرصه چیست؟

● حاج آقای جاویدی: من همواره معتقد بوده‌ام که فعالیتهای بسیج در مدارس ضروری و لازم است. در زمان جنگ هم اگر بسیج نبود ما اینگونه موفق نمی شدیم. بسیج از ارکان مهم مدارس حوزه است و هیچ منافاتی با درس خواندن ندارد و من با نظر آنهایی که بسیج را مانع درس خواندن می دانند مخالفم. در مورد نشریه هم، آنرا اقدام مفید و خوبی می دانم. البته به شرطی که استمرار داشته باشد و مطالب آن متنوع تر و بیشتر شود. اسنان البته سال سوم نشریه شماست و امیدوارم که ابتکار را ادامه دهید و بعد از شما هم ادامه داشته باشد. ان شاء الله.

○ عرصه: از حضور حضرتعالی در این گفتگو متشکریم.



طلاب مدرسه در حال اعزام به جبهه

متن سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع طلاب رزمنده مدرسه علمیه کرمانیها در دوران دفاع مقدس ۱

بسم الله الرحمن الرحيم. خیلی خوشوقت و خوشحالم هستم که با شما عزیزان و نور چشمان که در واقع نهالهای برومند بوستان آل محمد علیه السلام و نمونه‌هایی هستید که روحانیت شیعه قرن‌ها در انتظار امثال شماها بوده، ملاقات می‌کنم و در اینجا زار تان می‌کنم از شما می‌شنوم و توفیق پیدا می‌کنم که جملاتی به شما عرض کنم. البته فرمایشات برادر عزیزمان آقای زادسر ۲ بنده را شرمنده کرد. زیرا ایشان، خوش ذوق و خوش بیان و خوش قلم هستند. کتابشان را خوانده‌ام ۳. من قبلاً هم ایشان را زیارت کرده‌ام. آنچه که می‌گویند حمل بر ذوق ایشان باید کرد. بنده کوچکتر از این تعریفها و تمجیدها و تعبیرات هستم.

* آشنایی من با مدرسه کرمانیها

مدرسه کرمانیها را هم بنده سالهاست که از دور می‌شناسم. علت هم این است که وقتی این مدرسه تشکیل شد، ما اطلاع پیدا کردیم و می‌دانستم که یکی از آن مدارس مترقی و مبارز در قم مدرسه کرمانیهاست. خوب امروز هم ثمرات آن تلاشها در شخصیهایی است که این مدرسه تحویل داده است. همچنانکه اشاره کردند. از

مسئولین کارهای مردمی و قضایی در میان آنها هستند و هم از شما عزیزانی که امروز سنگین‌ترین کارها و بزرگترین مسؤلیتها را بر دوش گرفتید و کاملاً پیداست. ما واقعاً خدا را شکر می‌کنیم که روحانیت شیعه امروز در همان جایگاهی قرار دارد که قاعده تفکرات شیعی و اسلامی آنرا ایجاب می‌کند.

* روحانیت و جبهه‌ها

ما قرن‌ها از چنین چیزی واقعاً محروم بودیم، من یادم می‌آید که سال ۵۹ که می‌رفتم گاهی به مناطق جنگی و حالا همان حول و حوشها، مثل شماها که نه، یعنی اینقدر تلاشهای شما را که ما آنوقت نداشتیم، اما خوب، ما هم یک لباس نظامی تمان می‌کردیم و از جبهه خدمت امام، قبل از ظهر، هر وقت بود، مستقیم می‌رفتم جماران و به امام گزارش می‌دادیم که اینجور شده، مخصوصاً اوائل که یک ابهامی بر جبهه‌ها حاکم بود و نمی‌گذاشتند که درست خبرها خدمت امام برسد. من وظیفه دانستم که بروم. بعد می‌رفتم دنبال کارهای دیگرم.

ادامه دارد...

۱. لازم به تذکر است که برخی از طلاب حاضر در این جلسه سخنرانی به شهادت رسیده‌اند.
۲. حجة الاسلام زادسر، نماینده سابق مجلس و طلبه مدرسه کرمانیها در دوران جنگ.
۳. کتاب خاطرات یک طلبه از حبه‌های جنگ. تألیف حجة الاسلام زادسر

عمر

مکتب عالی علمیه
کتابخانه



مدرسه کرمانیها را بنده سالهاست که از دور می‌شناسم و می‌دانستم
که یکی از آن مدارس مترقی و مبارز در قم، مدرسه کرمانیهاست.
«امام خاмене‌ای»

هدیه نشریه «عرصه» به خوانندگان

امام چگونه امام شد؟

علی حیدری

۲۲ بهمن سال ۵۷ یاد آور چهره دلنشین امام خمینی علیه السلام است. به عبارت بهتر هرگاه نام «انقلاب اسلامی ایران» به خیال می آید، پیش از آنکه شور آفرینی ها و حماسه سازی های ملت ایران در ذهن تداعی شود، سیمای رهبر یگانه و فرزانه این انقلاب در ذهن نقش می بندد..

سؤالی که ممکن است در این بین به ذهن هر کسی رسوخ کند این است که چگونه شده در این برهه از زمان شخصیتی دینی و تمام مذهبی به نام «امام خمینی» سکاندار کشتی انقلاب شد؟ و سؤال مهمتر اینکه چگونه امام، امام شد؟

چگونه شد که امام علیه السلام به مقامی رسید که همانا «امامت امت» بود و به عبارت رساتر «تالی تلو معصوم بود»؟ چه شرایطی در این امر دخیل بودند! آیا شرایط زمانی و مکانی ویژه ای در امام شدن حضرتش دخالت داشته اند؟ آیا اساتیدی که حضرت امام آن را برای تکمیل علم و اخلاق خود پسندیده بود، روشهای منحصر به فردی داشتند؟ آیا استقبال عمومی مردم از روحانیت در زمان «امام خمینی» بیشتر از زمانهای دیگر بوده است که امام توانستند رهبری ملت را دست بگیرند؟ آیا نظام حاکم معاصر با امام نظامی متفاوت با نظامهای اعصار پیشین بود؟ و دهها سؤال از این دست.

ولی حقیقت اینست که اگر چه برخی از این عوامل در انقلاب عظیمی که حضرت امام علیه السلام علمدار آن بود دخیل بودند و لکن هیچ یک سبب امام شدن امام نمی باشند، سخت در اشتباه است کسی که علت امام شدن حضرتش را در علل خارجی و جامعه شناسی جستجو کند. بلکه آنچه را می توان به عنوان علت اساسی برای امام شدن امام خمینی علیه السلام معرفی کرد در یک کلام خود «حضرت امام» است. آن حضرت از همان آغاز سنین جوانی هر آنچه را که در گسترش سعه وجودی اش و عبودیت تام و تمام حضرت حق و سنجیت پیدا کردن با حضرات معصومین علیهم السلام مؤثر می دید بکار می بست.

بی معرفتی است که نام مقدس «امام خمینی» را در جرگه رهبرانی ثبت کنیم که پس از چندین سال طرح و برنامه ریزی هدف اول و آخر آنان ایجاد یک انقلاب محدود یا فراگیر و در نهایت بر پایی حکومت است که در این صورت جای این سؤال باقی است که چه تفاوتی بین رهبری پیامبر گونه امام و رهبریهای انقلابهای رایج در جهان وجود دارد؟!

بلکه سیاست ایشان بر اساس تکلیف الهی استوار بود و هر آنچه را که مرضی حق می دیدند عملی می کردند.

بطور خلاصه اگر بخواهیم عوامل مؤثر در تکمیل شخصیت امام علیه السلام را نام ببریم سه عامل اصلی می توان ذکر کرد:

۱. تزکیه و تهذیب نفس: که اولین و مهمترین عامل است. بدیهی است که یک شخصیت انقلابی با داشتن روحی مهذب و پاک در مقابل هیچ قدرت مادی سر خم نمی کند و قیل و قالهای روزمره او را از هدف اولیه اش باز نمی دارد به همین خاطر بود که امام تا آخرین لحظات عمر شریفشان توصیه می کردند و اساس تشکیل حکومت دینی را تربیت نفوس معرفی می نمودند.

۲. تحصیل موشکافانه علوم دینی: دومین عاملی که وقتی صحبت از اداره یک جامعه شیعی به میان می آید، ضرورت این امر بیشتر رخ می نماید که حضرت امام این خصوصیت را در حد اکمل خود دارا بودند و تبخّر اعجاب انگیز ایشان در علوم مختلف حوزه از فلسفه گرفته تا فقه و اصول بر علماء زمان پوشیده نبود.

۳. افق بالا و نگرش وسیع و تیزهوشی نسبت به مسائل روز جامعه سومین امتیازی است که در امام شدن امام نقش تعیین کننده ای را داراست و همین ویژگی بود که امام را از بسیاری افراد که هم دارای روح مهذب و هم دارای کمالات علمی بودند جدا کرد و شخصیتی ممتاز به ایشان بخشید.

با نگاهی به موضع گیری های امام علیه السلام از اعتراض به اصلاحات ارضی و کاپیتولاسیون گرفته تا رودررویی با دو قطب مستکبر جهان متوجه وسعت عظیم میدان دید امام می شویم و اینگونه است که دیدگاههای حضرتش نسبت به مسائل مختلف ظرفی جهانی پیدا می کند.

ایسم ها (۱)

مسعود سلمه ای

رنالیسم:

رنالیسم یا واقع پرستی در برابر ایدالیسم یا خیال پرستی قرار دارد. رنالیست را کسی گویند که تا آنجا که ممکن است عوامل حقیقی و واقعیات را که در حوادث و امور و جریان عمل دخالت دارند بحساب می آورد و غالباً در مورد شخصی استعمال می شود که آنچه را می گوید انجام می دهد.

رنالیست سعی دارد خود را با واقعیات جهان و محیط و جامعه وفق دهد ولی ایدالیست سعی دارد پندار خود جهان و اوضاع را با ایدالهای خود وفق دهد.

مراحل براندازی در زیارت عاشورا... ۲/
علی اشرف فتحی

نگذاریم که آن واقعه تکرار شود!

در فراز دیگری می خوانیم «بنی علیه بینه». خط انحراف و نفاق با بنیانگذاری و تأسیس انحراف توانستند با زمینه سازی، ظلم و جور بی سابقه پراهلیت علیه السلام را مشروعیت ببخشند. جناح بازی و رواج آن در عهد شیخین، فرهنگ سازی و القای تفکرات غلط با تحریف اساسی ترین مسایل دین در عهد خلیفه دوم، سرمایه سالاری و حاکمیت مفسدین اقتصادی در عهد عثمان، ترویج اسلام التقاطی اموی در شام و خط صحابه و رهبران بی تفاوت (اشعری و سعد بن ابی وقاص و ابن عمرو...) که همگی در پایه گذاری انحراف و تئوریزه کردن فرهنگ التقاطی مؤثر بودند. پس از اینان زمینه برای براندازی سیاسی آماده است و اکنون نوبت معاویه است که به خلافت امت اسلامی برسد و اهل بیت علیهم السلام را از مناصب الهی خویش کنار بزند.

بدین ترتیب ائمه مظلوم علیهم السلام که پس از ۲۵ سال انزوا و سکوت بار دیگر به عرصه آمده بودند پس از ۵ سال و اندی خلافت ظاهری در سال ۴۱ هجری بار دیگر منزوی شدند و براندازی سیاسی با کمترین خونریزی واقع می شود. و اینجاست که در زیارت عاشورا می خوانیم «و لعن الله امة دفعتکم عن مقامکم و ازالتکم عن مراتبکم الّتی رتبکم الله فیها».

معاویه برای تکمیل پروژه پیشینیان خود، در سالهای باقیمانده عمرش به ادامه براندازی سیاسی و فرهنگی پرداخت. اگر چه او بارها به شیعیان تعرض نموده و کسانی چون میثم و حجر و... را به شهادت رساند، اما توان هجوم نظامی گسترده و تکمیل طرح براندازی را در خود نمی دید و حتی به پسرش یزید توصیه کرد که از حسین بن علی علیه السلام چشم پوشی کند. او حتی طرح مسموم کردن امام حسن مجتبی علیه السلام را در کمال خفا و پنهان کاری انجام داد. اما یزید که از تربیت شدگان تفکر سیاسی و فرهنگی غلط و منحرف زمان خود بود چاره ای جز براندازی نظامی برای خود ندید و اساساً چاره ای جز این برای تربیت شده خط انحراف نبود. چرا که براندازی سیاسی و فرهنگی آنچنان ماهرانه و مودبانه چیش شده بود که باید به براندازی نظامی و قتل عام انسانی با شدیدترین صورت و فجیع ترین جلوه اش منجر می شد و یزید نیز با کمال درستی این طرح را تکمیل کرد و براندازی نظام دینی ناب که از سال ۱۱ هجری و حتی پیش از آن آغاز شده بود و در سال ۶۱ هجری به شکل خونین و ننگینی به اوج خود رسید. «لعن الله امة قتلکم»

چه باید کرد؟

اگر وضعیت امروز خود را با آنچه که در صدر اسلام اتفاق افتاد مطابقت دهیم به راحتی در می یابیم که ما اکنون در کدامین مرحله ایم. شکی نیست که براندازی فرهنگی با رواج انحراف و کجروی در جامعه بنا نهاده شده به تصریحات مکرر رهبری، فساد مالی و اجتماعی و فرهنگی در نهادهای مختلف جامعه ریشه دوانیده است.

اکنون یک دهه است که از فریاد دردمندان رهبری در خصوص خطر شیخون فرهنگی و نیم دهه است که از هشدار ایشان در مورد فساد اقتصادی می گذرد. اما اگر امروز به سخنان ایشان نظری بیفکنیم در می یابیم که ما در مرحله براندازی سیاسی قرار داریم. ۵ سال پیش رهبر عزیزمان نسبت به تکرار واقعه عاشورا هشدار دادند و سال گذشته نیز تصریح فرمودند که نخواهند گذاشت صلح امام حسن علیه السلام تکرار شود و دشمن اگر تلاش کند واقعه کربلا تکرار خواهد شد. به راستی ما را چه شده است که تصریحات بی پروا و بی پرده را وقتی نمی نهمیم؟ اگر خود را عقلای جامعه و نجبان و قنر برگزیده می دانیم که باید «العاقل یکفیه الاشارة». حال که از اشاره هم گذشته، چرا خود را به نفهمی می زنیم؟ شاید هم واقعاً نمی فهمیم!

اگر می فهمیم و خود را جزء خواص فکری جامعه می دانیم، پس چرا به راحتی زمینه ساز شده ایم تا حسین بار دیگر در گودال قتلگاه تاریخ بیافتد؟ درست است که دشمن ۲ سال قبل در براندازی نظامی شکست خورد و توانست واقعه کوی دانشگاه را با ختم انقلاب خاتمه بخشد، اما دشمن هنوز در فکر تکمیل طرح براندازی است. درست است که ابادی معاویه زمان به براندازی اعتراف کرده و بزودی محاکمه خواهند شد، اما بدانیم که اگر معاویه هم توان براندازی نظام را در قالب نظامی اش ندارد، بزودی شاید یزید دیگری این طرح را اجرا کند. چرا که طراحان براندازی به تسخیر چند نهاد و سازمان و حزب اکتفا نخواهند کرد و فقط به کشتن حسین زمانه و یاران راستینش می اندیشند و مبادا که ما در کربلای تاریخ جز سربازان و تابعین و مشایعین یزید زمانه شویم.

عرصه

نشریه علمی، فرهنگی و سیاسی مدرسه علمیه کرمانیها

● زیر نظر شورای نویسندگان

سردبیران: سید مرتضی ابطحی - حمید قدیری

طراح و گرافیک: هادی موسوی

مسئول امور اجرایی: مهدی راغبی

مسئول صفحه سیاسی: علی حدادی

مسئول صفحه فرهنگی: ناصر علیخانی